

۷۷ خطای سرمایه‌گذاری

خطاهایی که با آنها مواجه می‌شوید و راه‌های پرهیز از آنها

لاری سوئدرو | آرسی بالابان

ترجمهٔ مریم بیدمشکی‌پور



انتشارات
دنیای اقتصاد

ترجمه: مریم بیدمشگی پور / طراح جلد و بوئیفورم: حسن کریمزاده / صفحه‌آراء: مریم فتاحی / ناظر فنی:
انوشه صادقی آزاد / نوبت چاپ: شمارگان: اول- ۱۳۹۳: ۱۱۰۰ نسخه / شایک: ۸-۹۳۶۹۵-۶۰۰-۹۷۸ /
لیتوگرافی: شادرننگ / چاپ و صحافی: شادرننگ / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشر دنیای اقتصاد
است / نشانی انتشارات و فروشگاه: تهران، خیابان شهید مطهری: بین میرزای شیرازی و سنایی، شماره ۳۷۰ /
تلفن: ۴۳-۸۷۷۶۲۷۴۰ / دورنگار: ۸۷۷۶۲۷۴۴ / پست الکترونیک: book@den.ir / بایگای اینترنتی: book.den.ir

www.ketab.ir

بخش اول: شایستگی و مهارت‌های انسانی، برای موفقیت در سرمایه‌گذاری مهم هستند	۱۹
خطای شماره ۱- آیا از قدرت‌های خود بیش از حد مطمئن هستید؟	۲۱
خطای شماره ۲- آیا روند و هیولای فعلی همواره مبنای طرح‌ریزی‌های آینده شما قرار می‌گیرد؟	۲۷
خطای شماره ۳- آیا تصویری که از منابع و وقوع پیوستن امکان پیش‌بینی بیشتری دارند؟	۳۲
خطای شماره ۴- آیا نمونه‌های کوچک را به‌کار می‌گیرید و به شرم خود اعتماد می‌کنید؟	۳۵
خطای شماره ۵- آیا اجازه می‌دهید غرور بر فرآیند تصمیم‌گیری تسلط پیدا کند؟	۳۸
خطای شماره ۶- آیا اجازه می‌دهید نخبه‌دانش بر تصمیم‌گیری شما قرار بگیرد؟	۴۲
خطای شماره ۷- آیا مهارت را با شانس اشتباه می‌گیرید؟	۴۷
خطای شماره ۸- آیا از سرمایه‌گذاری فعال به دلیل احساس از دست دادن کنترل اجتناب می‌کنید؟	۵۰
خطای شماره ۹- آیا از پذیرش خطاهای سرمایه‌گذاریتان اجتناب می‌کنید؟	۵۳
خطای شماره ۱۰- آیا به کارشناسان اهمیت می‌دهید؟	۵۷
خطای شماره ۱۱- آیا اجازه می‌دهید قیمت تمام‌شده بر تصمیم شما در انتخاب تأثیر بگذارد؟	۶۳
خطای شماره ۱۲- آیا به استدلال نادرست «تکرار برحسب تصادف» اعتماد می‌کنید؟	۶۶
خطای شماره ۱۳- آیا می‌توانید موارد مانوس و شناخته‌شده را از موارد مطمئن تشخیص دهید؟	۷۰
خطای شماره ۱۴- آیا بر این عقیده‌اید که با پول به‌دست آمده از مسابقه بازی می‌کنید؟	۷۵
خطای شماره ۱۵- آیا اجازه می‌دهید دوستی بر انتخاب مشاور سرمایه‌گذاری تأثیر گذار باشد؟	۷۸

بخش دوم: نادانی، سعادت نیست

خطای شماره ۱۶- آیا نمی‌توانید سم موجود در سیب را تشخیص دهید (افسانه سقید برقی)؟	۸۵
---	----

- خطای شماره ۱۷- آیا تفاوتی میان اطلاعات و دانش قائل هستید؟ ۹۱
- خطای شماره ۱۸- آیا عقیده دارید که آینده شما در دست ستارگان است؟ ۹۸
- خطای شماره ۱۹- آیا به اطلاعات گمراه کننده اعتماد می کنید؟ ۱۰۱
- خطای شماره ۲۰- آیا شما تنها هزینه های اجرایی را در زمان انتخاب یک صندوق سرمایه گذاری مشترک در نظر می گیرید؟ ۱۰۴
- خطای شماره ۲۱- آیا از هزینه های استراتژی سرمایه گذاری غافل هستید؟ ۱۰۹
- خطای شماره ۲۲- آیا شرکت های بزرگ را با سرمایه گذاری های با بازده بالا اشتباه می گیرید؟ ۱۱۴
- خطای شماره ۲۳- آیا می دانید قیمت پرداخت شده چگونه بر بازده تأثیر می گذارد؟ ۱۲۱
- خطای شماره ۲۴- آیا باور دارید که چند فکر بهتر از یک فکر است؟ ۱۲۴
- خطای شماره ۲۵- آیا باور دارید که مدیران فعال، شما را در بازارهای افتان حمایت خواهند کرد؟ ۱۲۵
- خطای شماره ۲۶- آیا هیچ گاه سرمایه های خود را با معیار مناسب آن مقایسه می کنید؟ ۱۳۰
- خطای شماره ۲۷- آیا به بازده های پیش از محاسبه مالیات توجه می کنید؟ ۱۳۱
- خطای شماره ۲۸- آیا به نام یک صندوق سرمایه گذاری در زمان خرید آن اعتماد می کنید؟ ۱۳۸
- خطای شماره ۲۹- آیا باور دارید که مدیریت فعال، یک بازی برنده در بازارهای سهام است؟ ۱۴۱
- خطای شماره ۳۰- از سلطه کارآمدی بازار غافل هستید؟ ۱۴۵
- خطای شماره ۳۱- آیا باور دارید که مدیران صندوق حفظ ارزش، عملکرد فوق العاده ای دارند؟ ۱۵۰
- خطای شماره ۳۲- آیا به توهین های پولی قرار دارید؟ ۱۵۴
- خطای شماره ۳۳- آیا می دانید که اطلاعات جمعیتی سرنویشت را شکل می دهند؟ ۱۶۱
- خطای شماره ۳۴- آیا از فرآیند انتخاب یک شرکت مشاوره مالی استفاده می کنید؟ ۱۶۵
- بخش سوم: خطاهایی که در زمان بهرین استراتژی سرمایه گذاری روی می دهد**
- خطای شماره ۳۵- آیا از نحوه محاسبات مدیریت آگاهی دارید؟ ۱۷۱
- خطای شماره ۳۶- آیا می دانید بازارهای افتان دشمن خریداری هستند؟ ۱۷۵
- خطای شماره ۳۷- آیا با احتمالات قوی، مانند قطعی بودن بازدهی غیر ممکن برخورد می کنید؟ ۱۷۹
- خطای شماره ۳۸- آیا خطرهای بی ارزش را نیز می پذیرید؟ ۱۸۲
- خطای شماره ۳۹- آیا شما حقیقت وجودی استراتژی ها را با نتایج آن مقایسه می کنید؟ ۱۸۴
- خطای شماره ۴۰- آیا معتقدید سهام، تنها در صورتی پرخطرند که افتان داشته باشند؟ ۱۸۸
- خطای شماره ۴۱- حتی زمانی که موفقیت دور از دسترس باشد، برای دستیابی به آن تلاش می کنید؟ ۱۹۲
- خطای شماره ۴۲- آیا به اهمیت پس انداز در سال های اولیه زندگی واقف هستید؟ ۱۹۷
- خطای شماره ۴۳- آیا در ارزیابی واقعی هزینه های تن شکست خورده اید؟ ۱۹۹
- خطای شماره ۴۴- آیا بر این عقیده اید که متنوع سازی، تنها استراتژی مناسب برای زمانی است که افق های سرمایه گذاری بلندمدت باشد؟ ۲۰۱

خطای شماره ۴۵- آیا باور دارید که این بار متفاوت خواهد بود؟	۲۰۴
خطای شماره ۴۶- آیا از مدیریت مالیانه سید اوراق بهادار خود غفلت می کنید؟	۲۰۹
خطای شماره ۴۷- آیا اجازه می دهید مالیات ها بر تصمیمات شما تأثیر بگذارند؟	۲۱۵
خطای شماره ۴۸- آیا معامله گری را با سرمایه گذاری اشتباه می گیرید؟	۲۱۷
خطای شماره ۴۹- آیا سعی می کنید در زمان مناسب وارد بازار شوید؟	۲۲۰
خطای شماره ۵۰- آیا به غول های بازار اعتماد دارید؟	۲۲۴
خطای شماره ۵۱- آیا از قدرت اهرم (مالی، عملیاتی و سرمایه گذاری) در بهبود بخشیدن به بازده های سرمایه گذاری استفاده می کنید؟	۲۲۸
خطای شماره ۵۲- آیا می دانید تنها یک راه برای این که یک سرمایه گذار، با راهبرد خرید و نگاه داشتن سهام باشید وجود دارد؟	۲۳۰
خطای شماره ۵۳- آیا با مشاورانی که بر پایه کمیسیون فعالیت می کنند کار می کنید؟	۲۳۵
خطای شماره ۵۴- آیا وقت زیادی را برای مدیریت سید اوراق بهادارتان صرف می کنید؟	۲۳۹
خطای شماره ۵۵- آیا وارثان خود را آماده کرده اید؟	۲۴۲
خطای شماره ۵۶- آیا سفر سرمایه گذاری خود را بدون نقشه راه آغاز می کنید؟	۲۴۷
خطای شماره ۵۷- آیا ماهیت ریسک را درک کرده اید؟	۲۵۲
بخش دوم: سرمایه گذاری در زمان تشکیل سید اوراق بهادار به وجود می آید	
خطای شماره ۵۸- آیا سرمایه گذاری ها را به صورت مجزا در نظر می گیرید؟	۲۵۹
خطای شماره ۵۹- آیا حجم سرمایه گذاری را در یک سبد می گذارید؟	۲۶۳
خطای شماره ۶۰- آیا تعداد سهام را که برای ایجاد یک سبد متنوع مورد نیاز است، دست کم می گیرید؟	۲۶۷
خطای شماره ۶۱- آیا باور دارید که متنوع بودن با تعداد اوراق قرضه ای که نگهداری شده، مشخص می شود؟	۲۷۰
خطای شماره ۶۲- آیا باور دارید صندوق های هدفمند عملکرد بهتری دارند؟	۲۷۵
خطای شماره ۶۳- آیا احساس کرده اید همه تنگی های دارایی های ریسک دار در زمان بحران بیشتر می شود؟	۲۷۸
خطای شماره ۶۴- آیا در زمان تشکیل سید اوراق بهادار خود، سرمایه کار را در نظر نمی گیرید؟	۲۸۲
خطای شماره ۶۵- آیا باور دارید که دنیای سرمایه گذاری، بی رویه و گمراه کننده است؟	۲۸۵
خطای شماره ۶۶- آیا شاخص محوری را با استفاده انحصاری از شاخص S&P500 می گیرید؟	۲۸۹
خطای شماره ۶۷- آیا خانه تان را به عنوان عاملی که شما را در بازار سهام و مستغلات قرار می دهد، در نظر می گیرید؟	۲۹۲
خطای شماره ۶۸- آیا ریسک سرمایه گذاری های پرثمر را نادیده می گیرید؟	۲۹۶
خطای شماره ۶۹- آیا محصولاتی را می خرید که برای فروش تولید شده اند نه خرید؟	۲۹۹
خطای شماره ۷۰- آیا رویای «عرضه اولیه اوراق بهادار» را تعقیب می کنید؟	۳۰۶
خطای شماره ۷۱- آیا می دانید ممکن است بیش از حد محتاط باشید؟	۳۱۰
خطای شماره ۷۲- آیا تخمین میزان دریافت مالی شما در زمان بازنشتگی اوراق آمیز است؟	۳۱۵
خطای شماره ۷۳- آیا دارایی های تان را در مکانی نادرست نگاه می دارید؟	۳۲۰

خطای شماره ۷۴ - آیا بر این عقیده‌اید که ارزش تمامی صندوق‌های غیر فعال مدیریت شده برابر است؟	۳۲۵
خطای شماره ۷۵ - آیا اعتماد می‌کنید ولی نتیجه آن را نمی‌بینید؟	۳۲۹
خطای شماره ۷۶ - آیا برنامه جایگزین دارید؟	۳۳۲
خطای شماره ۷۷ - آیا به تکرار اشتباه ادامه می‌دهید؟	۳۳۶
جمع‌بندی	۳۳۹

www.ketab.ir

در سرمایه‌گذاری، اطلاع صرف از چگونگی عملکرد بازار، اختصاص درست و به موقع سرمایه‌ها و چگونگی انتخاب حامل‌های سرمایه‌گذاری، هیچ‌گاه کافی نیست. لازم است بدانیم چگونه تمایلات طبیعی انسانی و رفتارهایمان بر تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارند. حوزه سرمایه‌گذاری رفتاری به ما کمک می‌کند تا جنبه رفتاری سرمایه‌گذاری را درک کنیم و همچنین به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا سرمایه‌گذاری بهتری انجام دهند و برنامه‌هایی را که در ذهن دارند، به خوبی پیش ببرند.

لاری سوندرو^۱ و آر سی بالابان^۲ فهرستی از خطاهای سرمایه‌گذاری را که از رفتارهایی ما به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی می‌گیرد، در این کتاب ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال این دو نویسنده به ما یاد می‌دهند که اعتماد به نفس بیش از حد، ما را به سمت تصمیم‌های نادرست در بازار سوق می‌دهد و هدایت می‌کند. بخش بزرگی از این اعتماد به نفس کاذب، ناشی از چهار باب فکری است که برای خود تنظیم می‌کنیم. زمانی که من ترغیب می‌شوم به واسطه خرید یک سهام خاص که در تلویزیون برای آن تبلیغ می‌شود، در بازار راه پیدا کنم، از خودم سوال می‌کنم: «فرد احمقی که در طرف دیگر این

معامله قرار دارد، چه کسی است؟ اگر من، خریدم را به این دلیل انجام می‌دهم که از بالا رفتن قیمت آن سهام مطمئن هستم، آن احمقی که می‌خواهد آن را بفروشد چه کسی است؟ در هر معامله‌ای، یک فرد نادان وجود دارد و این افراد نادان سرمایه‌گذارانی هستند که در موقعیت خاص هزینه نادانی خود را پرداخت می‌کنند.»

بازارهای ما همچنین موجب می‌شود که قالب‌بندی معامله را مانند بازی تنیس شکل دهیم که در مقابل دیوارهای تمرینی انجام می‌گیرد. در حالی که در واقعیت، معامله مانند بازی تنیسی است که در برابر حریفی حقیقی در دیگر سمت تور زمین تنیس انجام می‌شود. شاید این حریف در دنیای واقعی مدیر سرمایه‌گذاری یا سیستم کامپیوتر باشد که سرعت ارسال توپشان به زمین ما آن قدر زیاد است که ما توانایی برگشتن آن را نداشته باشیم. این حریف‌ها ممکن است حریف‌های ساده‌ای نیز نباشند که بی‌بهره باشند که مهارت‌های ویژه تنیس‌بازان تراز اول را در بازی‌هایشان به کار می‌گیرند. آنها را الگو قرار می‌دهند.

خوب، ممکن است به نوعی الگو در چنانچه یک مدیر سرمایه‌گذاری بتواند به‌خوبی در بازار نفوذ کند چه دلیلی باشد که وی را استخدام نکنیم تا سرمایه ما را نیز مدیریت کند؟ این ایده خوب است چنانچه این مدیر سرمایه‌گذاری عمومی سخاوتمند ما باشد و تمایل داشته باشد بدون هیچ هزینه‌ای، سرمایه ما را نیز مدیریت کند؛ در حالی که در واقعیت ما با احتمال متحمل هزینه شویم و در نهایت زمانی که مدیر سرمایه‌گذاری ۲۲ درصد سود خود را برمی‌دارد، درواقع چیزی برای ما باقی نخواهد ماند. سوئدر با بازمانده ما می‌آموزند که هزینه‌های معامله و سرمایه‌گذاری را در نظر بگیریم. این هزینه‌ها پول‌مان را در اختیار مدیرانی قرار دهیم که به ما قول می‌دهند با احتساب هزینه‌های خودشان، ما به سوددهی قابل توجهی برسیم.

بحث در مورد بازده بازارهای سرمایه‌گذاری مدت‌ها پس از خواندن این کتاب نیز، همچنان مانند سابق باقی خواهد ماند. تعریف جاه‌طلبانه بازار سودمند، همان تعریفی است که از یک بازار منطقی و مستدل داریم که در آن

قیمت‌های سهام عرضه دولتی همواره برابر با ارزش‌های ذاتی آنهاست. یک
 تعریف مناسب از بازارهای سودمند، همان تعریف بازارهای شکست‌ناپذیر
 است. حباب‌های سرمایه‌گذاری هیچ‌گاه در بازارهای منطقی و مستدل به‌وجود
 نمی‌آید؛ در حالی که امکان پدید آمدن آنها در یک بازار شکست‌ناپذیر همواره
 وجود دارد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد بازارها، منطقی و مستدل
 نیستند. قیمت خانه‌ها در زمان‌هایی که متأثر از ارزش ذاتی و درونی آنهاست
 قیمت سهام. اغلب در حباب قرار می‌گیرد. ولی این حقیقت که بازارها
 همیشه نیستند به این معنی نیست که می‌توان به راحتی در آنها نفوذ کرد یا این
 حقیقت که بازارها دیوانه‌اند، این مفهوم را به ذهن متبادر نمی‌کند که ما همگی
 روانپریش نیستیم. می‌توانیم در صدد درمان براییم. بازار خرید و فروش
 اینترنتی، بازاری برای حباب می‌آید و سرمایه‌گذاری که قصد دارند در
 آن با فروش سهامی کوتاه مدت نفوذ پیدا کنند سرمایه خود را از دست خواهند
 داد؛ مگر این که نقدینگی آنها به از دیوانگی این بازار دوام پیدا کند. در این
 صورت حباب‌های به‌وجود آمده بیشتر سود و قابل زویت می‌شوند، ولی به
 هر حال، نمی‌توان آنها را از قبل پیش‌بینی کرد. برخی سرمایه‌گذاران، بحران
 ۲۰۰۸ را پیش‌بینی کردند. این افراد، اغلب انهایی بودند که عمیقاً در بازار رهن
 و بانکداری فعالیت داشتند. ولی آیا تمامی سرمایه‌گذارانی که سهام خود را در
 اکتبر ۲۰۰۷ فروختند تصور می‌کردند که در مارس ۲۰۰۸ اقدام به خرید
 کنند؟ آنچه در بازار لمس می‌کنید اغلب راهی است به نادیده گرفتن
 فرصت‌ها. ما اغلب خود را سرزنش می‌کنیم که چرا این مدارا می‌کنیم. ما می‌توانستیم
 نتوانسته‌ایم سهام خود را در اکتبر ۲۰۰۷ بفروشیم یا آنها را در مارس ۲۰۰۸
 باز خرید کنیم.

تجربه‌ها و درس‌ها در بازار سرمایه‌گذاری بیشتر از این که یادگرفتنی باشند
 یاددادنی هستند؛ ولی ما انسان‌های باهوشی هستیم و توانایی یادگیری داریم. به
 یاد داشته باشید که ما دریافته‌ایم که زمین با وجود این که همه جا به چشم ما
 مسطح می‌آید، در واقع گرد است. با وجود این باید هر روز با خطاهای ادراکی

و احساسات گمراه‌کننده خود مبارزه کنیم. من مطالعه این کتاب را به این دلیل پیشنهاد می‌کنم که به ما کمک خواهد کرد خود را با ابزارهای مختلف مبارزاتی در زمان سرمایه‌گذاری تجهیز کنیم. امیدوارم خوانندگان این کتاب در انتها از سوئدرو و بالابان برای آموزش ۷۷ درسی که برای جلوگیری از ۷۷ خطا به ما می‌دهند تشکر کنند و امیدوارم آنها سال‌ها برای دریافت چنین قدرتی ای که استحقاق آن را دارند، منتظر نمانند.

میر استات من^۱

اگر می‌خواهید بزرگ‌ترین خطری را که آینده سرمایه‌گذاری شما را تهدید می‌کند بشناسید به خانه بروید و به آینه‌ی نگاه‌ی بیندازید. «جان‌تان را از دست ندهید» (The Secret) ژورنال، ۲۷ آوریل ۱۹۹۸

یکی از بزرگ‌ترین خطرات سرمایه‌گذاری، بی‌پروستی است که با وجود اهمیت آشکار حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تنها در مدرسه‌های بازرگانی یا طی دوره‌های تحصیلی، شناسایی ارزش اجرایی در مدیریت مالی به این موضوعات پرداخته می‌شود. توماس گری، شاعر انگلیسی قرن ۱۸ می‌نویسد: «جایی که نادانی، برکت به حساب می‌آید، عاقلان به حماقت محض است.» در مورد سرمایه‌گذاری، جهالت و بی‌خبری، هیچ‌گاه به دست نیامده است. در این مورد، می‌توانید از سرمایه‌گذارانی سؤال کنید که ۵۰ میلیارد دلار در سوایس برنارد مدوف از دست دادند. بدون داشتن دانش پایه در مورد این چگونه سرمایه‌گذاری، به حیات خود ادامه می‌دهد، غیر ممکن است فردی بتواند در زمینه سرمایه‌گذاری، تصمیم‌های درست اتخاذ کند. زیان‌های جبران‌ناپذیری در سوایس برنارد مدوف پدید آمد؛ ولی تأسف بارتر این است که بسیاری از سرمایه‌گذاران همچنان تصور می‌کنند که از چگونگی فعالیت بازار سرمایه اطلاع دارند، در حالی که واقعیت چیز

دیگری است. همان‌طور که جاش بیلینگز^۱ طنز زنی می‌گوید: «آنچه انسان نمی‌داند از وی احمق نمی‌سازد؛ بلکه آنچه تصور می‌کند می‌داند، ولی در واقع نمی‌داند وی را به یک احمق تبدیل می‌کند.» نتیجه این‌که، افراد اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند بدون این‌که دانش کافی درباره عواقب تصمیم‌هایشان داشته باشند. مثل این است که به جایی سفر کنید که قبلاً هیچ‌گاه در آنجا نبوده‌اید. بدون این‌که نقشه مسیر یا راهنما با خود داشته باشید. نداشتن تحصیلات علمی در مسائل مالی، باعث شده که اکثر سرمایه‌گذاران تصمیمات خود را بر اساس دانش عام در جامعه اتخاذ کنند. این دانش، همان ایده‌ها و نظریاتی است که آن‌قدر در بین مردم باقی مانده و پذیرفته شده‌اند که دیگر کسی در مورد آنها سؤال نمی‌کند. متأسفانه، اغلب آنچه به عنوان دانش عام در مورد سرمایه‌گذاری وجود دارد نادرست است. در نتیجه، سرمایه‌گذاران، تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که نتایج فاجعه‌باری به همراه دارد. «لاری» در طول دوره حضور ۱۵ ساله به عنوان مسئول مدیریت تحقیقات در گروه خدمات مالی باکینگهام^۲، شاهد خطاهای بزرگ و زیان‌بار سرمایه‌گذاران بوده است. این خطاها بر پایه دلایل مختلفی به وجود آمده‌اند. علت برخی از این خطاها، رفتارهای پر از خطای بشری است. به عنوان مثال، افراد تمایل می‌دهند که مهارت‌های خود را بزرگ ببینند و این بزرگ‌بینی باعث می‌شود که به سمت خطاهای بسیاری، از جمله پذیرش خطر بیش از ظرفیتشان روی آورند. برخی سرمایه‌گذاران، دلیل نادیده گرفتن حقایق، مرتکب خطا می‌شوند. شما می‌توانید بسیاری از حقایق را نادیده بگیرید (فیزیک هسته‌ای) را نادیده بگیرید و به زندگی خود ادامه دهید. با وجود این، بسیاری از افراد خواهد بود که در طول زندگی خود بدون توجه به حقایق سرمایه‌گذاری، غافل می‌مانند. ما امیدواریم که به‌واسطه دانش ارائه شده در این زمینه، شما بتوانید از خطاهای متداول سرمایه‌گذاری اجتناب کرده، استراتژی سودبخش سرمایه‌گذاری را به دست بگیرید و به اهداف مالی در زندگی خود دست یابید. هدف این کتاب، این است که شما یک سرمایه‌گذار مطلع بسازد. عملکرد سرمایه‌گذاری شما باید در طول زمان با آگاهی

1- Josh Billings

2- Buckingham

شما از آسیب‌پذیر بودنشان در برابر جنبه‌های روانشناختی خود بهبود یابید. همچنین مطلع خواهید شد که چگونه خطاهای رفتاری، ممکن است شما را از اصول اثبات شده سرمایه‌گذاری دور کند. دانستن این موضوع که نیروهای روانشناختی، چه قدرتی دارند به شما کمک می‌کند آنها را تحت کنترل خود در آورید. در مقیاس بسیار کوچک‌تر، دانش اطلاعات بیشتر، امیارات شما را برای دستیابی به موفقیت بیشتر می‌کند. اگر خود را انسان موفق به حساب می‌آورید، زمان و هزینه‌ای که برای نوشتن کتاب صرف می‌کنید، بهترین سرمایه‌گذاری‌ای خواهد بود که تاکنون انجام داده‌اید. یکم از عبارات مورد علاقه ما این است: «اگر کمال می‌کنید آموزش و یادگیری همیشه برکت، جاهالت و بی‌خبری را امتحان کنید.» امیدواریم این کتاب، عطش شما برای یادگیری را برطرف کند. عمیق‌تر کند و در شما میلی برای گسترش دانشتان به وجود آورد. این کتاب برایان آموزنده و جالب است و تمایل دارید مطالب بیشتری در این زمینه را بنگرید. لاری چهارگانه‌ای به نام «تئوراهنماهای سرمایه‌گذاری» که به آن نیروی داری به بسته تحریر در آورده است. اولین بخش «تئوراهنما به سمت یک استراتژی سرمایه‌گذاری موفق» نامی که به آن نیاز دارید، نام دارد. دومین بخش در مورد اوراق قرضه، راهنمایی که برای یک استراتژی اوراق قرضه موفق، به آن نیاز دارید، سومین بخش، «تئوراهنما برای سرمایه‌گذاری جایگزین موفق» که به آن نیاز دارید، و چهارمین بخش، «تئوراهنما برای برنامه‌ریزی مالی صحیح» که به آن نیاز دارید نام گرفته است. کتاب به دلیل لاری عبارت‌اند از: «آنچه وال استریت نمی‌خواهد بداند»، «سرمایه‌گذار موفق امروز»، «سرمایه‌گذاری منطقی در زمان نامناسب»، «سرمایه‌گذاری هوشمندانه آسان‌شد»، «سرمایه‌گذاری هوشمندانه آسان‌تر شد» و «در جست‌وجوی آلفا». در زمان خواندن کتاب، این موضوع را در ذهن داشته باشید که حتی افراد باهوش نیز مرتکب خطاهای فاحشه‌ای همان ماهیت انسان بودن ما است. با وجود این، زمانی که افراد باهوش می‌آموزند چه رفتاری خطا است، هرگز نه آن را تکرار می‌کند و نه بر آن اصرار می‌ورزند. انیشتین این طور به این موضوع می‌پردازد: «جنون یعنی انجام کاری مشابه به دفعات زیاد و انتظار نتیجه متفاوت داشتن.»